

The Theoretical Foundations Governing the Violation of the Behavior of Judges and Health System Workers (Medical and Allied Professions) and the Principles Governing the Proceedings

ARTICLE INFO

Article Type

Research Article

Authors

Fatemeh Razi Khademi¹

Amir Iravanian^{2*}

Amir Paknahad³

How to cite this article

Fatemeh Razi Khademi, Amir Iravanian, Amir Paknahad, The Theoretical Foundations Governing the Violation of the Behavior of Judges and Health System Workers (Medical and Allied Professions) and the Principles Governing the Proceedings Using Metacombination Method, *Journal of Islamic Life Style Centered on Health*. 2022;6(1):701-713.

1. PhD student, Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: a_iravanian@sbu.ac.ir

Article History

Received: 2021/12/05

Accepted: 2022/03/03

ABSTRACT

What is examined in this article is the basics and principles of judging violations and dealing with disciplinary violations by judges, as well as the behavioral field of health system workers (medical professionals and related). The reasons for misconduct in the field of judges' behavior and the responsibility of doctors and related professions are analyzed based on the ideological foundations and social developments of their justification and the bases of criminal prosecution according to the principles of criminalization. It is stable and every criminal policy is required to comply with it with all the credit that the law gives to the judge and to secure his job position, but in any case, if the judge commits a judicial violation and the doctors do not comply with the ethical and legal principles related to the medical profession, the competence He has lost the necessary legal rights for this job, and competent authorities must deal with this matter and, if proven, stop him from continuing his work or face disciplinary punishments. he does; Such as the principle of independence of the judge, the principle of immunity, transparency and the principle of non-infringement of the privacy of judges. The principles of fair proceedings also rule regarding the treatment of doctors' violations. What is important is the manner of this response and how to apply the regulations related to it through the investigation authorities. And dealing with disciplinary violations should not be an excuse to distort these principles.

Keywords: Violation, Behavior, Judges, Health, Medicine, Proceedings

مبانی نظری حاکم بر تخلف انگاری رفتارهای قضات وشاغلان نظام سلامت (حرف پزشکی و وابسته) و اصول

ناظر بر رسیدگی

فاطمه رضی خادمی^۱

دانشجوی دکتری، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

امیر ایروانیان^{۲*}

استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

امیر پاک نهاد^۲

استادیار، گروه حقوق، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

چکیده

آنچه که در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد مبانی و اصول ناظر بر تخلف انگاری و رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات وهم چنین حوزه رفتاری شاغلان نظام سلامت (اهل حرف پزشکی و وابسته) است. دلایل تخلف انگاری در حوزه رفتارهای قضات و مسولیت پزشکان و حرف وابسته، براساس مبانی ایدئولوژیک و تحولات اجتماعی توجیه و مبانی تعقیب انتظامی ایشان با توجه به اصول جرم انگاری تحلیل می‌شود تخلف انگاری در حوزه رفتاری قضایی و پزشکی بر اساس یکسری اصول و چارچوب استوار و هر سیاست کیفری ملزم به رعایت آن می‌باشد با همه اعتباری که قانون برای قاضی و تأمین موقعیت شغلی او قائل است ولی به هر حال اگر قاضی مرتکب تخلف قضایی شد و پزشکان اصول اخلاقی و قانونی مربوط به حرفه پزشکی را رعایت ننمودند، صلاحیت های قانونی لازم برای این شغل را از دست داده و باید مراجع صالحی به این امر رسیدگی و در صورت اثبات، او را از ادامه کار باز دارد یا با تنبیهات انتظامی روبرو شود بازرسی از عملکرد قضایی و نظارت بر رفتار آنان از اصول و قواعد خاصی پیروی می‌کند؛ نظیر اصل استقلال قاضی، اصل مصونیت، شفافیت و اصل عدم تعرض به حریم خصوص قضات. در خصوص رسیدگی به تخلفات پزشکان نیز اصول دادرسی منصفانه حکم فرماست. آنچه مهم می‌نماید، شیوه ی این پاسخ گویی و چگونگی اعمال مقررات مربوط به آن از رهگذر مراجع تحقیق و رسیدگی است. و رسیدگی به تخلفات انتظامی بهانه ای برای مخدوش کردن این اصول نگردد.

واژگان کلیدی: تخلف انگاری، رفتار، قضات، سلامت، پزشکی، رسیدگی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۲

*نویسنده مسئول: a_iravani@sbu.ac.ir

مقدمه

تخلف در لغت به معنای خلاف کردن، خلاف وعده کردن، خلاف گفته یا پیمان عمل کردن تعبیر شده در تعریفی دیگر تخلف انتظامی را نقض مقررات صنفی به وسیله یک نفر از افراد آن صنف مانند قضات، وکلا و پزشکان و غیره دانست می‌توان گفت تخلفات انتظامی پزشکان و حرف وابسته عبارتند از تخلفاتی که اعضای سازمان نظام پزشکی به مناسبت حیثیت، شغل، مقام، و وظیفه خود مرتکب میشوند. این تخلفات بر حسب مورد و اهمیت متفاوت بوده و واکنش های انضباطی متفاوتی در برخورد با آنان اعمال می‌شود. توجه و اجرای قانون یکی از طرق و شاید مهمترین طریق اجرای عدالت باشد. حرفه قضا تنها جنبه مادی نداشته بلکه قاضی دارای تکالیف و وظایف ایثارگرانه هست که باید ارزش این مزایای معنوی در عمق اعتقادات او ریشه داشته و واجد شکوه و حرمت بسزا باشد و او را به اقدام و عمل در این مسیر حق پرستانه وادار نماید دادگستری به عنوان مرجعی که وظیفه ی برقراری عدالت را برعهده دارد، آخرین نهادی است که افراد برای دادخواهی و گرفتن حقوق خود به آن مراجعه می‌کنند. اجرای عدالت موجب تأمین امنیت روانی شهروندان است، چراکه شهروندان باید بدانند اگر حتی از آنها حتی توسط خود قضات ضایع شد، می‌توانند با مراجعه به دادگستری حق خود را بگیرند.

تخلف انگاری رفتارهای قضات و رسیدگی به تخلفات قضات موجب اعتماد مردم به دستگاه قضایی می‌گردد و این دستگاه را در مسیر حرکت صحیح و توانمند قرار داده و فکر تخطی و احیاناً سوء استفاده را مردود و گردش کار را روان و از طرفی موجبات نارضایتی مردم را فراهم نمی‌نماید. پیچیدگی روابط اجتماعی و رشد روزافزون شمار قوانین و پرونده های دعاوی، فرضهای طلائی پیشین درباره ی مصون بودن قاضی از خطا، یا وحدت حق و حکم را از اعتبار انداخته است.

بازرسی از عملکرد قضایی و نظارت بر رفتار آنان از اصول و قواعد خاصی پیروی می‌کند؛ امری که اختصاص به عصر معینی نداشته و همواره مورد توجه بوده است. در کشور ما، از زمان ایجاد تشکیلات نوین عدلیه، در کنار سایر سازمان های مربوط به دادرسی، تشکیلات و شیوه های مشخصی برای نظارت قضایی تبیین شده است. قوانین و مقررات مربوط به این نظام نظارتی در طول حدود یک قرن گذشته، همواره دستخوش اصلاحات و تغییرات بوده است؛ همین امر سبب شد که در سال های اخیر با هدف یکسان سازی این مقررات و با نگاهی و به فرآیند نظارت ها، قوه قضاییه لایحه جامعی را تدوین و جهت تقدیم به مجلس شورای اسلامی به دولت ارسال نماید. که نهایتاً تحت عنوان «قانون نظارت بر رفتار قضات» در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید (۱).

در حوزه مدیریت نیروی انسانی، اهمیت مدیریت رفتار حرفه ای قضات بر کسی پوشیده نیست؛ قضات دادسرا یا دادگاه، قاضی مدنی، کیفری یا اداری، قاضی مراجع تالی یا عالی، همگی در هیأت واحدی

برخی از این ملاک ها، آن ها را پایه بحث قرار داده و با سنجش رفتارهای نا به هنجار حرفه ای قضات با آن ها، ضرورت و مشروعیت تخلف انگاری این رفتارها بررسی می شود.

تخلف انگاری بر مبنای انگاره های ایدئولوژیک

یکی از انواع محدودیت های قدرت سیاسی در نظر طرفداران دولت مشروطه همانا محدودیت های اخلاقی و فلسفی است که به نوبه ی خود طیف وسیعی از نظریات را ذیل خود جای می دهد. مفاهیم و نظریات مطرح شده در این چارچوب عبارت اند از: قانون طبیعی، حقوق طبیعی و انسانی، نظریه های التزام و اطاعت مبتنی بر قرارداد، نظریه ی اجماع، حاکمیت مردمی و دموکراسی. در این قبیل نظریات و مفاهیم نیز محور مباحث ادعای وجود نوعی اولویت عقلانی برای تحدید قدرت است. (۴).

لکن به هر حال به نظر می رسد که شیوه ها و راهکارهای مصنوع بشر هر قدر هم که پیشرفت کند، قادر به کنترل مطلوب جامعه ای که افراد آن به مبانی اخلاقی و معنوی و ارزش های والای انسانی اعتقاد ندارند، نخواهد بود و همان طور که قرآن کریم کراراً متذکر گردیده است، چنین جامعه ای سرنوشتی جز تباهی و فساد نخواهد داشت.

توجه به ارزش های اجتماعی

در جامعه ای که حداقل های اخلاقی و فرهنگی در آن رعایت نمی شود، از نظریاتی مثل تفکیک قوا و ... انتظار معجزه یا تحول شگرف نداشته باشد. دقیقاً به همین دلیل است که امروزه اکثر متفکران غربی زیربنای تحقق دموکراسی را در عمل، وجود مردمی می دانند که ارزش های انسانی را دریابند و خواهان دستیابی به آنها باشند. مسلماً در چنین جامعه ای که اکثر پزشکان به ارزش ها پایبند هستند، راهکارهای ارائه شده در اندیشه های سیاسی، حقوقی و ... می تواند برای جلوگیری از تجاوز و تعدی انسان ها خطا کار مؤثر واقع شود، در غیر این صورت اندیشه های مزبور راه به جایی نخواهد برد (۵).

گذشته از اینها، توان علمی و درک اجتماعی قضات که در آرای ایشان متبلور می شود، در اقتدار قوه ی قضائیه نزد مردم و مسئولان به نحو چشمگیری می تواند مؤثر واقع شوند. اگر آرای قضایی متناسب با ارزش های اجتماعی مردم و جامعه نباشند، بی تردید آرای مزبور پشتوانه ی مردمی خود را از دست خواهند داد و زمینه ی تخلف مسئولان از آرای قضایی نیز همواره خواهد شد. یعنی اگر مدیریت قوه ی قضائیه و قضات آن، نقش و جایگاه مؤثر خود را در نظم اجتماعی و حفظ مصالح و منافع عمومی با صدور آرای متناسب و سنجیده برای مردم مسجل کنند، در این صورت باعث جلب اعتماد مردم به صداقت قوه قضائیه می گردند. (۶).

قرار می گیرند که از آن به هیأت قضایی یا مقامات قضایی یاد می کنیم و هر یک به نوبه ی خود در تعیین سرنوشت مراجعان دادگستری، اعم از شاکی و مشتکی عنه یا مدعی و مدعی علیه نقش ویژه ای دارند. در قانون نظارت بر رفتار قضات که در حال حاضر به عنوان قانون و منبع اصلی در برخورد انتظامی با تخلفات قضات از آن بهره می بریم مقنن به دنبال حفظ شان والای مقام قضاوت از طریق کنترل رفتار حرفه ای با در نظر گرفتن مجازات ها و تنبیهات انتظامی پیش گیرانه و بعضاً سخت گیرانه بوده است رفتار حرفه ای، رفتاری است که در حوزه ی یک یا چند شغل و حرفه ی معین موضوعیت و فرصت بروز پیدا می کند، به عنوان مثال، ترک پست نگهدارنده رفتاری است که تنها در حوزه ی رفتاری نظامی گیری موضوعیت دارد؛ تبعیض در پذیرش و درمان بیماران تنها در حرفه ی پزشکی؛ و صدور حکم بر خلاف قانون، با خودداری از صدور حکم تنها درباره ی قضات دادگاه فرصت ظهور و ارتکاب دارد. (۲) تخلف انگاری در حوزه رفتاری قضات بایستی بر اساس یکسری اصول و چارچوب باشد. هر سیاست کیفری ملزم به رعایت اصول میباشد.

اما پزشکان و دیگر کارکنان حوزه سلامت به عنوان فردی که خطاب موارد انضباطی قرار می گیرد، باید وظایف مربوط به حرفه خود را با وجدان آگاه و بر طبق موازین قانونی و اخلاقی اجرا کند، به نحوی که رفتار او موجب احترام و اعتماد جامعه نسبت به خود و همکارانش شود و گفتار و شخصیت وی موجب سربلندی جامعه پزشکی شود. اما متأسفانه بعضی پزشکان بر خلاف شان طبابت رفتار نموده و از اعتماد مردم سوء استفاده نموده و مرتکب تخلفاتی می شوند که آسیب های جبران ناپذیری را به جامعه پزشکی وارد می کنند (۳). به همین جهت نظام پزشکی به عنوان یک جامعه صنفی اصول و قواعدی را پیش بینی نموده که تخلف از آنها مرتکب را در معرض تخلفات انتظامی و مجازات های قرار خواهد داد. بنابراین قوانین و آیین نامه های سازمان نظام پزشکی شامل واکنش های انضباطی برای این تخلفات است.

تخلفات انتظامی؛ مبانی و اصول ناظر بر تخلف انگاری رفتارهای قضات و پزشکان

مبانی ناظر بر تخلف انگاری ها

- دلایل توجیهی تخلف انگاری در حوزه ی رفتارهای قضات در موارد زیر خلاصه می گردد؛ و تخلف انگاری یک رفتار، تنها در این موارد مشروعیت و ضرورت می یابد: دیدگاه اکثریت جامعه مبنای ضرورت بر تخلف انگاری یک رفتار باشد، برای تامین رفاه همگانی ضرورت داشته باشد، تامین آزادی دیگران با تخلف انگاری یک رفتار ملازمه داشته باشد، پاسداری از ارزش های اساسی اخلاقی اجتماعی، با تخلف انگاری یک رفتار ملازمه داشته باشد - و در نهایت اینکه تخلف انگاری رفتارهای قضات به منظور جلوگیری از ورود صدمه به دیگران و خصوصاً اصحاب دعوی باشد

ناگفته پیداست که تصمیم بر تخلف انگاری رفتاری که با این ملاک ها یا بعضی از آنها منطبق است باید با ملاحظه پیامدهای مختلف جرم انگاری و رعایت این نکته باشد که جرم انگاری کمترین هزینه و بالاترین سود را برای جامعه داشته باشد. صرف نظر از کلی بودن

کشورهای جهان پذیرفته شده و مورد قبول است و از آن تعبیر به نزاکت قضایی می شود که دارای مصادیق متعددی است

تخلف انگاری بر مبنای انگاره های اجتماعی

تحولات اجتماعی

هر جامعه ای نیاز مبرم به وجود قانون داشته و اجرای آن در تمام سطوح باید احساس شود. بسیاری از مشکلات، نارسایی ها، کمبودها، تبعیض ها ناشی از نبود قانون و بی اعتنایی به قانون است، اجرای قانون مختص مردم عادی نیست، تنها قضات مکلف به رعایت قانون نیستند، همه آحاد ملت و مسئولین یک جامعه باید در چهارچوب قانون حرکت نمایند، شعار احترام به قانون کافی نیست. بدترین وضع یک جامعه در زمانی است که علاج بن بست را در توقف و شکست قانون بداند. از طرف دیگر قاضی و پزشک انسانند و انسان هم طبعاً جایز الخطاء است و پیچیدگی شغلی سبب می شود که به سهولت مرتکب اشتباه شوند. لذا ضرورت دارد مراجعی به طور خاص و با رعایت تشریفات به تخلفات آنان رسیدگی نموده. حفظ حقوق و آزادی های فردی

جامعه استوار و مطمئن، از دقت و بیداری و صلابت دستگاه قضایی که نگهبان حقوق حقه اوست، نظاره گر نتیجه امر قضا می باشد و آحاد آن بر این اعتقاد هستند که قاضی حامی حق اوست و متهم نیز دل بر این باور داشته و دارد که دستگاه قضایی خطا نمی کند و اجحاف و تجری در تضرر حقوق وی نیز توسط این دستگاه امکان پذیر نیست. همان طور که می دانیم در سیستم دادرسی کنونی قاضی مکلف است طبق مفاد قوانین موضوعه حکم صادر نماید و دلایل قانونی را مبنای حکم خود قرار دهد، و مطابق یا استانداردهای رفتار قضایی رفتار نموده و در صورت ارتکاب تخلف قضایی موجبات رسیدگی قضائی به تخلفات انتظامی، میسر باشد.

اصل ضرر و تخلف انگاری

ضرر و اعمال صدمه زننده، از اصلی ترین موضوعات حقوق کیفری در تمام نظام های حقوقی از لیبرال افراطی گرفته تا اقتدار گرای فراگیر بوده و هست. از این رو قدیمی ترین اصل موجه ساز برای نقض آزادی اراده و دخالت در فعل اخلاقی را، ضرر دانسته اند. در خصوص تخلف انگاری رفتار پزشکان بایستی ذکر نمود که آنها یا جسم و روان بیماران مرتکب هر گونه صدمه گردند بر اساس اصل ضرر ضامن پرداخت خسارات و دیه و هم چنین از لحاظ صنفی توبیخ و حتی از شغل پزشکی برکنار می گردد بنابراین هرچند در دوران های مختلف با توجه به نیاز مردم شغل پزشکی دارای اهمیت بوده و این سبب نمی شود که پزشکان مصون از مسولیت باشند. و لذا نسبت به خطاها و تخلفات آنان، مسولیت ها متناسبی در نظر گرفته شده است. مسئله قضاوت به دلیل اهمیتی که در طول تاریخ داشته، همیشه از ویژگی های خاصی برخوردار بوده است. چه از نظر متصدیان آن و چه از جهت نظارت و کنترلی که از طرف حکومت بر آن ها اعمال می شده است. دلیل این امر واضح است، قاضی با مال و عرض و ناموس مردم سر و کار دارند و اصولاً با اجرای قوانین حافظ آنها به شمار می رود. ولی مانند هر اجتماع دیگری امکان دارد در میان قضات نیز افرادی یافت شوند که از حریم اخلاق و قانون خارج شوند، در این صورت نه تنها باعث

اخلاق حرفه ای و مسولیت پاسخگویی

اخلاق حرفه ای ایجاب می نماید که قضاتی که مرتکب تخلف شده اند و شان قضاوت و عدالت را خدشه دار نموده و سبب بی اعتمادی مردم شده اند پاسخگویی رفتار خود باشند و عواقب ناشی از آن را بپذیرند جنبه های اخلاقی رفتار قضات باید به دلایل مختلف مورد بحث قرار گیرد روش هایی که در حل و فصل اختلافات مورد استفاده قرار می گیرند باید الزام آور باشند. قدرت هایی که به وی سپرده شده اند به شدت با ارزش های عدالت، حقیقت و آزادی ارتباط دارند. استانداردهای رفتاری که به قضات اعمال می شود، نتیجه این ارزش ها و پیشرفت اعتماد به ادعای عدالت است اعتماد به سیستم عدلیه با توجه به جهانی شدن اختلافات و گستردگی قضاوت ها اهمیت بیشتری دارد در خصوص حرفه پزشکی نیز این مورد صدق می کند و پزشکیانی که خلاف شان رفتار کرده موجب بی اعتباری این حرفه و سلب اعتماد مردم می گردند.

وجود یک سری اخلاقیات مشترک برای حفظ و پایداری جامعه ضروری است. در این صورت، با توجه به کثرت و تفاوت عقاید و اندیشه ها و آراء عملی با مبنای اخلاق قابل ممنوع شدن است که همه ی افراد جامعه فارغ از عقاید و مذاهب مختلف آن را به علت غیر اخلاقی بودن قابل جرم انگاری بدانند. شغل قضاوت و حرفه پزشکی به همان اندازه که از جلالت و رفعت برخوردار است دارای مسولیتی بس سنگین و خطیر است. به همین دلیل اخلاقی نیز تخلفی که از سوی ایشان ارتکاب می یابد به جهت ظلمی که به متهم و بیمار می شود بسیار زشت و قبیح می داند.

لزوم رعایت شئون شغل قضاوت و رعایت اخلاق پزشکی

قاضی و پزشک دو شخصی هستند که جامعه انتظار بسیار بالای در حوزه ی رفتار حرفه ای و شخصی از آنان دارد زیرا هر گونه تخلفی حتی جزئی می تواند موجب خدشه دار شدن اعتبار این مشاغل و سلب اعتماد جامعه نسبت به آنان گردد. یکی از ویژگی های منصب قضاوت، شئون خاص آن است. قضات چهره شاخص و ممتاز جامعه هستند که همواره در دید و توجه مردم قرار دارند. به همین دلیل سطح بالایی از استانداردهای اخلاقی بر تمام شئون زندگی حرفه ای و شخصی ایشان اعمال می شود. (۷). شئوناتی که گاه از آن به محدودیت های شغلی قضاوت تعبیر می شود و هر دانش آموخته حقوق را هنگام انتخاب قضاوت به عنوان آینده شغلی به این فکر می اندازد که پذیرش این همه محدودیت در کنار سختی های کار قضاوت، می ارزد؟

در عصر کنونی نیز عامه مردم بر این عقیده هستند که قضات با محدودیت های بسیاری مواجه هستند، محدودیت های که وجود حتی نیمی از آنها، جریان عادی زندگی یک فرد را مختل می سازد اما برای قضات ضروری است. برخی این محدودیت ها را ضروری و صحیح می دانند و برخی دیگر نیز عقیده بر غیر قابل تحمل و نادرست بودن آنها دارند. در کنار این دو عقیده، نظر متعادل سومی می توان بیان کرد مبنی بر اینکه برخی از این محدودیت ها که تاثیر مستقیم بر عملکرد صحیح قاضی دارد ضروری است و برخی دیگر که ناشی از ملاحظات غیر حقوقی است، باید حذف شود این محدودیت ها، که در فقه از آن تحت عنوان آداب القضاء و در حقوق کشور ما به عنوان شئون قضایی نام برده می شود، در تمام

قانونگذار از اسناد بالادستی مربوط به ارزش های حرفه ای در امر تخلف انگاری بسیار نامناسب و ضعیف است. درباره ی سیاست جنایی در قبال تخلفات حرفه ای گفتنی است که پذیرش اصل قانونی بودن تخلف و تنبیه انتظامی، رعایت گردیده است

رعایت اصل قانونی بودن

اینکه دلایل و موجبات تخلف انتظامی به طور دقیق باید در کد یا قوانین رفتاری دقیقاً تعریف و مشخص شده باشد تا بتوان هر گونه رفتاری را تخلف و مستوجب مجازات انتظامی دانست از این امر می توان به اصل قانون بودن تخلف یاد کرد.

اصل قانونی بودن به این معناست که هرگونه تحدیدی باید در چارچوب قانون و به حکم آن صورت گیرد. این اصل با عبارات گوناگونی در کنوانسیون های متعدد حقوق بشر درج گردیده است. در ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است که "هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی های خود فقط تابع محدودیت هایی است که به وسیله قانون و منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم و رفاه همگانی در شرایط یک جامعه دموکراتیک و گردیده است."

در سیاست کیفری ایران با تصویب قانون نظارت بر قضات، قوانین پراکنده ی که در این حوزه وجود داشت را سامان بخشید هر چند در این زمینه هنوز مشکلاتی وجود دارد ولی خود گامی مثبتی است در جهت اصل قانونی بودن. تخلفات انتظامی قضات به موجب مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸ قانون نظارت بر رفتار قضات تعیین گردیده که این مواد مؤید اصل قانونی بودن تخلفات به طور معین می باشد. در رابطه با تخلفات انتظامی پزشکان و سایر اهل حرف های وابسته قابل ذکر است که قانون تشکیل سازمان پزشکی در سال ۱۳۶۹ توسط مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرف پزشکی که عنوان جرم عمومی را نداشته باشد را به هیات های ذی ربط سازمان واگذار نمود. آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته که در سال ۱۳۷۳ به تصویب هیات وزیران رسیده است شامل ۵۷ ماده می باشد و به موجب آن وظایف و مسولیت های و مجازات های انتظامی شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته و نحوه رسیدگی به آنها مشخص گردیده.

اصل شفافیت

شفافیت که از قدیمی ترین مباحث علوم جنایی محسوب می شود، به طور طبیعی در اسناد بین المللی حقوق بشر، لازم الرعایه محسوب می گردد. قانونگذار باید جرایم و تخلفات را با عبارات روشن و دقیق، مشخص و تعریف نماید. استفاده از الفاظ و عبارات موسع و دارای معانی، مفاهیم و حتی کاربردهای متنوع و یا قابل اطلاق بر وضعیت یا رفتارهای متعدد، به ابهام یک ماده قانونی منجر می شود به ابهام یک ماده قانونی منجر می شود و باعث گسترش در معنای آن می شود و اجرا و احساس عدالت را به مخاطره می افکند.

و این در حالی است که قانونگذار هیچ گونه تعریفی از اصطلاحات نظارت، تخلفات رفتار قضات در قانون نظارت بر رفتار قضات ارائه نکرده است. تبیین این مفاهیم به عنوان حقیقت قانونی لازم و واجب می باشد موجب جلوگیری از تفسیر به رأی در بیان مفاهیم و قلمرو

لکه دار شدن جامعه ی قضات می شود بلکه خطر این انحراف اخلاقی و تجاوز به قانون بیشتر از اعمال تجاوز کارانه مردم عادی به جامعه زیان می رساند. و در واقع به همین دلیل است که در قوانینی جزایی موادی به تصویب رسیده که بعضی اعمال و افعال را در صورت ارتکاب از طرف قاضی، به مناسبت شغلی که دارد، جرم تلقی شده و قابل مجازات می باشد

مصلحت عمومی

مصلحت عمومی یکی از مهم ترین و البته بحث برانگیزترین مفاهیم و معیارها مطرح در حوزه ی فلسفه ی اخلاق و سیاست و حقوق است. فینبرگ براساس مبنای سود انگاری، ((نفع رسانی به دیگران)) را - که ما مصلحت عمومی می نامیم - براساس آن محدود کردن حقوق و یا آزادی فردی برای تهیه و فراهم کردن منافع اشخاص دیگر، ضروری است و دولت برای جلب منافع دیگران - خواه فرد (بجز کننده ی کار یا رفتار) و خواه گروه یا اجتماع - می تواند فعل یا ترک فعلی را الزام و برای نقض آن ضمانت اجرای کیفری وضع کند(۸).

تخلف انگاری رفتارهای ارتكابی قضات در حین انجام وظیفه با اصل مصلحت عمومی نیز قابل توجیه است. وقتی قضات مرتکب اعمالی که متغایر یا موازین قانونی باشند بشوند و یا بر خلاف حیثیات قضایی رفتار نمایند، چنین رفتاری به سبب سلب اعتماد و اطمینان مردم نسبت به تشکیلات قضایی و قضات خواهد شد و در این صورت تشکیلات قضایی در جامعه مقبولیت نخواهد داشت.

بر اساس مبانی و ملاک های علمی و نیز بر اساس ملاک های دینی به منظور جلوگیری از ایراد صدمه و ضرر به دیگران، حفظ اعتماد عمومی به قوه قضاییه و حکومت ها، تأمین حقوق و آزادی های عمومی، حفظ نظم و آرامش در جامعه اسلامی، کنترل و نظارت دقیق بر رفتار قاضی و فراهم کردن ساز و کاری برای عدم خروج او از دایره حق و عدالت و انصاف در انجام وظیفه استدلال قضایی و رعایت اصول دادرسی از طریق تخلف انگاری برخی رفتارهای نا به هنجار او در این حوزه ضرورت می یابد

دادخواهی و رسیدگی به تخلفات پزشکان نیز از این قاعده مستثنا نیست و چه بسا مهم تر می نماید. پزشکان و افرادی که در حرفه های وابسته به پزشکی فعالیت می نمایند، می بایست در جهت رعایت حقوق افراد، بر طبق موازین قانونی و اخلاقی رفتار نمایند به نحوی که رفتارشان موجب افزایش اعتماد و احترام به جامعه پزشکی گردد. لذا ضروری است

اصول ناظر بر تخلف انگاری ها

دو اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات ها» و «تناسب جرم و مجازات» از جمله مهم ترین اصول کلی حاکم بر رسیدگی های کیفری هستند. گرچه تخلف انتظامی ماهیتاً با جرم متفاوت است، اما اصول کلی حاکم بر رسیدگی های کیفری و مؤلفه های دادرسی منصفانه در رسیدگی به این تخلفات نیز حاکمیت دارند. بر کسی پوشیده نیست که بعضی از ضمانت اجرای های پیش بینی شده برای تخلفات انتظامی از مجازات های مقرر برای بعضی جرایم به مراتب سنگین تر است. انفصال اعم از موقت یا دائم مصداق باز این مدعی است در ارزیابی وضعیت کشور ایران باید گفت تاثیر پذیری

در مجموع، باید مایه افزایش خودمختاری و حرمت و حیثیت شهروندان گردد.

مبانی و اصول حاکم بر آیین دادرسی رسیدگی با لحاظ رعایت اصل استقلال

اصل عدم تعرض به استقلال قضایی است و رسیدگی به تخلفات قضات پنهان ی برای مخدوش کردن استقلال قاضی نشود و نهاد رسیدگی کننده نیایستی تحت تاثیر نهادهای خارج از قوه قرار گیرد. و هم چنین رسیدگی به تخلفات قضایی ایزاری برای وارد آوردن فشار به قضات؛ به قصد انتقام جویی و اقدامات تلافی جویانه نباشد. رسیدگی به تخلف قاضی در حدود موضوع پرونده باشد. و رسیدگی ها باید در چارچوب استقلال قضایی مرجع رسیدگی کننده صورت گیرد.

استقلال قاضی هیچ گاه به معنای عدم نظارت بر عملکرد وی نیست، زیرا عدم اعمال نظارت قانونی و نبود مسئولیت پذیری ارمغانی جز فساد و سوء استفاده از قدرت به همراه نخواهد داشت. قاضی در راستای حفظ و رعایت استقلال خود، باید در قبال اقدام ها و اعمال ارتكابی به موجب قانون پاسخ گو باشد. آنچه مهم است، شیوه ی این پاسخ گویی و چگونگی اعمال مقررات مربوط به آن از رهگذر مراجع مربوط است تا ضمن رعایت استقلال قاضی، مانع از خودسری وی و سوء استفاده از قدرت شوند

متناظر با تاکید بر تقویت راهکارهای تامین استقلال قضات و افزایش درخواست ها برای کسب استقلال نهادی دستگاه قضایی از قوه مجریه، بر ضرورت و اهمیت پاسخگویی قضایی (اعم از قضات و نهاد قضایی) در انجام محوله و مدیریت امور قضایی تاکید شده است. استقلال قاضی بدین معناست که قاضی در جایگاه دادرسی نسبت به موضوع مطرح شده با آزادی کامل و بر مبنای واقعیت ها و بر پایه ی قانون و بدون هر گونه دخالت، فشار یا نفوذ نادرست از جانب هر یک از بخش های حکومت یا جای دیگر رسیدگی و تصمیم گیری کند، هم چنین قاضی از همکاران خود مستقل باشد از جمله مدیران افقی یا عمودی و حتی از تمایلات شخصیدر مورد انتخاب اعضای مراجع رسیدگی کننده به تخلفات انتظامی قضات باید گفت که این افراد طبق قانون اساسی و عادی و به انتخاب رئیس قوه قضائیه انتخاب می گردند^۱. و از این حیث دادگاه استقلال خود را از قوه ی مجریه حفظ می کند و از این منظر نیز این استقلال ساختاری به نظر رعایت شده است. از طرف دیگر به منظور جلب اعتماد عمومی و تأمین دادرسی منصفانه لازم است که در دادرسی احتمال نقض استقلال نرود و ظاهر دادرسی به گونه ای نباشد که از نظر یک انسان معقول غیر مستقل به نظر برسد(۱۲).

در سیر قانونگذاری رسیدگی به تخلفات قضات، با مقرراتی روبرو می شویم که آشکارا استقلال قاضی را متزلزل و بی ثبات می کنند. به عنوان نمونه؛ رئیس قوه قضائیه چنانچه دارندگان پایه ی قضایی را مطابق موازین شرعی فاقد صلاحیت امر قضا بداند، می تواند موضوع را به کمیسیون برای تحقیق و بررسی ارجاع دهد با توجه به

قضائیه منصوب می شوند... و همچنین رجوع کنید به ماده ی ۴۹ قانون نظارت بر رفتار قضایی.

آن می باشد. اگر چه این مفاهیم در قالب حقیقت عرفیه و آراء علمای حقوق تبیین گردیده است اما حقیقت قانونی هر اصطلاح موجب تعیین تکلیف خواهد بود. اصطلاح «رفتار قضات» اطلاق دارد و شامل امور اجتماعی، عرفی و قانونی می شود و ممکن است در قالب فعل یا ترک فعل حسب مورد متحقق گردد. قابل ذکر است رفتار قضات با قید از حیث رعایت شئون در ماده ۲ آئین نامه احصاء گردیده است. کلمه نظارت در صدر ماده ظهور در عناوین، ارزشیابی، کنترل و پیگیری نیز دارد. نظارت حسب مفهوم عرفی و حقوقی غالباً جنبه امری دارد البته ممکن است منظرات اطلاعی باشد که در این فرض جنبه امری آن کمتر جلوه می کند اما در موضوع این قانون جنبه خاص مدنظر است. زیرا اصطلاحات ارزشیابی و بازرسی مستلزم استصواب و جنبه آمرانه می باشد و از طرفی قانون گذار تصویب آئین نامه های مرتبط با قانون نظارت و ارزشیابی و بازرسی را توسط مراجع ذی صلاح پیش بینی نموده است(۹). پس مشاهده میگردد که در بعضی موارد قانونگذاری در زمینه تخلفات قضات فاقد شفافیت و باعث ابهام و گسترش مفاهیم می باشد، که از اصول قانونگذاری دور است.

قانونگذار در تبصره ۱ ماده ۲۸ قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی به احصاء برخی از مهم ترین تخلفات انتظامی شاغلان حرفه های پزشکی پرداخته و مصادیق تخلفات مذکور و نوع و میزان مجازات های آن را در هر مورد با توجه به شدت و ضعف به تفصیل بیان کرده، ولی قانونگذار تعریفی از تخلف انتظامی پزشک به دست نداده است ولی این بدان معنا نیست که هر فعلی از سوی افراد موضوع قانون مذکور ارتكای یابد صرفاً به تشخیص هیات های رسیدگی کننده به تخلفات انتظامی قابل مجازات باشد.

اصل ضرورت

در هر جامعه ای که برای آزادی ارزش قائل است، باید از حقوق جزا تنها به عنوان آخرین راه حل برای کنترل اجتماعی در موارد کاملاً ضروری است استمداد شود(۱۰). به موجب قاعده ضرورت، از میان تدابیر متعددی که می تواند اهداف مورد نظر مقنن را تامین کنند. تدبیری باید انتخاب شود که کمترین لطمه را به منافع و آزادی های خصوصی وارد می آورد. تشخیص این ویژگی مستلزم تجزیه و تحلیل راه حل های جانشین گوناگون و آثار قابل پیش بینی آن ها بر واقعیات زندگی آن اعضای جامعه بوده و در نوع خود، کاری پیچیده و سخت میباشد(۱۱).

هر تخلف انگاری مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی های افراد است. لذا در حقوق کیفری کرامت مدار پاسداری از حرمت و کرامت افراد، دل مشغولی سیاستگذاران کیفری است، در هر مورد از جرم انگاری و تخلف انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادی های افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی آزادی ها چیرگی داشته باشد. به عبارت دیگر، جرم انگاری و تخلف نگاری

۱. ماده ی ۵ قانون نظارت بر رفتار قضایی: رئیس، سمستاران و عضو معاون و دادگاه های مذکور از بین قضات دارای بالاترین آیه ی قضایی توسط رئیس قوه

و سوء رفتار گسترش نمی یابد. به عنوان مثال، مصونیت قضایی قضات را از مسئولیت کیفری به دلیل کلاهبرداری یا فساد، یا درخواست و یا گرفتن رشوه، رفتار نامناسب در دادگاه، توهین به افراد و کارمندان، و... محافظت نمی کند. در حالی که مصونیت قضایی برای محافظت از استقلال قضات از اهمیت برخوردار است، دامنه آن نباید به حدی برسد که قضات را از قانون مجازات معاف کند. بنابراین، مصونیت قضایی از محافظت از رفتار مجرمانه کوتاه نمی آید. علاوه بر این، در بعضی از کشورها طبق قانون مقرر شده است که محکومیت قاضی یک جرم جدی به طور خودکار عمل می کند تا قاضی را از سمت خود دور کند. در بعضی از ایالت ها، قوانین به محکومیت ارتکاب جرم، عزل از سمت خود را صادر می کنند. دیگران به محکومیت جرم تحقیر اخلاقی. و در عین حال دیگران در محکومیت ارتکاب جرم "بدنام": موضوع مشترک این قوانین این است که در صورت یافتن مجرم بودن در جرم از جنبه ای جدی، مستلزم عزل خودکار قاضی از سمت خود باشد. براساس این قوانین، قاضیان به جرم محکومیت کلاهبرداری، شکنجه، رشوه دادن، اخاذی، انسداد عدالت، ضرب و شتم و سایر جرائم جدی از دفتر اخراج شده اند (۱۵).

مسئولیت انتظامی قضات، یکی از مواردی است که با توجه به مسئولیت خطیر قاضی در قانون نظارت بر رفتار قضات پیش بینی شده است. اصولاً قضات دارای مصونیت می باشند و نمی توان به راحتی آنها را در مظان اتهامات نامربوط و یا فشار روحی و روانی قرار داد. اما در کنار این مصونیت، قضاتی که دارای تخلفاتی می باشند و یا جرایمی را به مناسبت شغل خود مرتکب می شوند باید در مقابل جامعه و شهروندان پاسخگو باشند. قانون، این مسئولیت ها را در قالب مسئولیت اخلاقی، کیفری و انتظامی در نظر گرفته و برای هر یک نیز مجازات و شرایطی را پیش بینی کرده است. بر اساس قواعد مسلم حقوقی کسی که به دیگری ضرر برساند باید آن را جبران نماید. بر همین پایه اگر قاضی با اشتباه یا تخلف خود از مقررات باعث ضرر و پایمال شدن حقوق کسی شود لاجرم باید از پس جبران آن بر آید. گاهی مسئولیت قاضی در مقابل افراد نیست، بلکه در مقابل دولت می باشد که در این موارد نیز قضاتی که موازین قانونی را زیر پا می گذارند و باعث اخلال سیستم اداری و تشکیلات قضایی می شوند به مجازات عمل ارتكابی خود محکوم خواهند شد. قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰ به طور صریح و شفاف تری به بیان انواع تخلفات و جرایم قضات و همچنین مجازات آنها و نحوه رسیدگی و صلاحیت مرجع رسیدگی پرداخته است. دراصل ۱۶۴ قانون اساسی ایران آمده است که نمی توان قاضی را از مقامی که شاغل آن است، بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است، به طور موقت یا دائم منقض کرد. این اصل مؤید مصونیت شغلی است. مصونیت شغلی به این معناست که قانون کیفری در مورد فرد دارنده مصونیت اجرا می شود و مرتکب، قابل مجازات است لیکن تعقیب، محاکمه و مجازات مرتکب مستلزم رعایت تشریفات خاص است. تشریفات خاص تعقیب قضات موجب می شود آنها در دادرسی های خود جانب بی طرفی را رعایت کنند و در صدور رأی مستقل باشند. استقلال و بی طرفی قضات صدور رأی عادلانه را از جانب آنها تضمین می کند. با این حال این منصب خطیر

تحقیق و بررسی در قانون نظارت بر رفتار قضات مستلزم آن است که همه فعالیت تحقیقی محرمانه باشد و به صورت غیر علنی برگزار می گردد، این به این معنی است که دادسرا و دادگاه عالی انتظامی نمی تواند تایید یا رد کند که تحقیق در حال انجام است یا جزئیات تحقیق را مورد بحث قرار دهد یا به نمایش بگذارد با این حال زمانی که دادرسی تشکیل می شود این یک جلسه عمومی است و می تواند در معرض نظر عموم قرار گیرد.

شکایت علیه قضات معمولاً به صورت مخفیانه باقی می ماند البته در مرحله تحقیقات مقدماتی و نهاد تحقیق، مجبور نیست که سوابق شکایت علیه قضات ارائه کند. ولی این رویه مخالفانی نیز دارد به نوعی مسئولیت اساسی آنها پاسخگویی در برابر عموم و شفافیت عمومی است. این عدم شفافیت برای اطمینان از احترام به قوه قضائیه است، ولی در مقابل احترام و اعتماد مردم را از دست می دهد مگر اینکه آنها بدانند که چه کاری انجام می شود. دادسرا و دادگاه انتظامی قضات، در بررسی اتهامات مربوط به تخلفات قضایی دارای ساختار و فرآیند رشته ای است که با بهترین شیوه ها هماهنگ نیست و به اندازه کافی شفاف و قابل دسترس برای عموم مردم نیست. قضات بایستی تحمل نظارت عمومی را داشته باشند، واقعیت این است که خود فرهنگ قضایی ظاهراً فضای کمی برای افشای رفتارهای نادرست دارد که می تواند اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را تضعیف نماید (۱۴).

در طول تحقیقات، در کلیه مراحل، روند رسیدگی و بررسی محرمانه است، و دادگاه نمی تواند فاش کند که شکایتی علیه قاضی مطرح شده است یا اینکه در حال تحقیق است، ولی وقتی جلسه رسیدگی در دادگاه برگزار می گردد جلسه عمومی است؛ مگر اینکه دلایل این باشد که، جلسه محرمانه "تشکیل پرونده های شکایت و مشارکت شهود مربوط را با فراهم آوردن محافظت در برابر قصاص یا مجازات مجدد" فراهم می کنند. علاوه بر این، از آنجا که "شکایات ناخوشایند قضات است، محرمانه بودن، متهمین را از انتشار شکایات غیرواقعی محافظت می کند و اعتماد به قوه قضائیه را به عنوان یک نهاد" با جلوگیری از اعلام زودتر از موعد ادعاهای بی اساس در مورد تخلفات قضایی حفظ می نماید.

رسیدگی با لحاظ رعایت اصل مصونیت

اصل مصونیت قضایی، به نحوی شایسته از امنیت حرفه ای و سلامت خاطر دادرسان حمایت می کند. به طور کلی، پیش بینی مصونیت ها و امتیازهای ویژه در قوانین اساسی با قوانین عادی کشورها و نیز اسناد بین المللی، در راستای صیانت و حراست از مقام و شأن برخی از افراد دارای موقعیت خاص، است. در حقوق ایران با توجه به اصل تفکیک قوا و اصل ۱۵۶ ق. ا. قوه قضائیه، قوه ای مستقل است که گسترش عدل و آزادی های مشروع و در واقع ایجاد امنیت را به عهده دارد و این به اعتبار استقلال قضات معنا پیدا می کند. و قضات در هنگام ارتکاب تخلف از مجازات های مجازاتی مصون نیستند. همچنین قضات از اعمال انضباطی به دلیل رفتار نادرست مصون نیستند.

ولی در خصوص مسوولیت کیفری و رفتارهای مجرمانه و سوء رفتار اینگونه نیست؛ بدین شرح که مصونیت قضایی به فعالیت مجرمانه

این است که آیا آنها از همان آزادی شخصی که در هر کس دیگری در حوزه خصوصی برخوردار هستند برخوردارند یا بایستی احتیاط های ویژه ی در نظر گرفته شود و چرا؟ این جاست که اخلاق و اصول قضایی مورد بحث قرار می گیرند، زیرا آنها تا حدودی با زندگی خصوصی ربط دارند. اخلاق قضایی اصولاً اصول، اخلاقی حاکم بر رفتار قضات است که نشانگر نوعی تعهد به انجام وظیفه فداکارانه، مسئولانه، مستقل و بی طرفانه وظایف قضایی است. نوعی از خوداری اخلاقی به منظور تسهیل و دستیابی به اعتماد عمومی، ناشی از نیاز وسیع جوامع ما است " که خواستار شفافیت بیشتر در عملکرد نهادهای عمومی هستند " از جمله دستگاه قضایی (۱۷).

اصل برائت

تضمینات خاص دادرسی عادلانه شامل: محاکمه در مدت معقول، مستند و مستدل بودن رای، حداقل تضمینات دفاعی متهم می باشد یکی از مهم ترین این اصول؛ اصل برائت می باشد که بایستی مورد توجه مقنن قرار گیرد. مطابق این اصل، بی گناهی افراد جامعه اصل است و تا زمانی که مجرمیت افراد با یک دادرسی عادلانه اثبات نشود، این اصل ساری و جاری است. این اصل در اصل ۳۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صراحت ذکر شده است، البته این اصل به صراحت در قوانین و مقررات رسیدگی به تخلفات نیامده است، اما با توجه به شمول اصل ۳۷ قانون اساسی به مقررات مربوط به رسیدگی به تخلفات انتظامی می توان اصل برائت را در دادرسی مراجع انتظامی قضات و پزشکان دیوان مفروض دانست. ۲-۷- علنی بودن دادرسی

علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استقلال و بی طرفی قاضی را تضمین می کند و به دلیل اینکه اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی تر و ملموس تر می نماید، باعث می شود که اعتماد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود. بی توجهی به افکار عمومی و برگزاری مخفیانه و غیر علنی محاکمات تردید در صحت عملکرد دستگاه قضایی را تقویت خواهد کرد طبق موارد گفته شده و همچنین با توجه به مقررات دیگر راجع به رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات، مقنن رسیدگی علنی به تخلفات قضات متخلف را پیش بینی ننموده است، که البته این امر با توجه به مصالح و مقتضیات اداری و جلوگیری نزول شأن قضاتی که تخلفات آنها فعلاً در مرحله ی تحقیق و رسیدگی قرار دارند و هنوز تخلف ایشان به اثبات نرسیده است قابل توجیه و تفسیر می باشد. در دادرسی انتظامی، رسیدگی به تخلفات قضات در مرحله تحقیقات مقدماتی غیر علنی است، اما در مرحله رسیدگی در اکثر موارد دادگاه بصورت غیر علنی می باشد.

در ارتباط با محاکم و هیات های انتظامی پزشک ماده ۲۲ آیین رسیدگی دادرسیها و هیات های انتظامی، تحقیقات در دادرسی غیر علنی اعلام می دارد. اما در ارتباط با اینکه آیا دادرسی در هیات های انتظامی علنی است یا خیر، آیین دادرسی انتظامی به این امر اشاره ی نکرده است، در عمل آنچه در هیات های انتظامی پزشکی کشور مشاهده می شود مسولان امر اجازه علنی بودن تشکیل هیات

همواره در معرض لغزشها و بی قانونی های قضات است. به همین دلیل مقرراتی در باب تخلفات قضات و مجازات های انتظامی و کیفری آنها وضع شده است.

مطابق ماده ۴۰ قانون نظارت بر رفتار قضات، ابتدا باید وفق مقررات نسبت به تعلیق وی اقدام شود، سپس تحت تعقیب قرار گیرد. سرانجام این که هر گاه احضار قاضی به عنوان شاهد تا مطلع ضرورت داشته باشد، به موجب تبصره ی ماده ی ۴۰ قانون، این اقدام تنها از طریق رئیس دادگستری و به صورت محرمانه انجام می شود.

قلمرو این ممنوعیت در قانون، منحصر به جرایم عمدی است؛ لذا، در جرایم غیر عمدی تعقیب جزایی قاضی در مظان ارتکاب جرم، منوط به تعلیق وی از شغل قضایی نیست. به موجب ماده ۳۹ قانون نظارت بر رفتار قضات «هرگاه قاضی در مظان ارتکاب جرم عمدی قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قراین دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضایی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم متقضی اتخاذ می نمایند.» (۱۶)

اصل عدم تعرض به حریم خصوصی

جنبه های زندگی خصوصی در قلب استقلال شخصی در نظر گرفته می شود. ولی در مورد رسیدگی به سوء رفتار قضات بایستی مداخلات در چنین حوزه حساسی باید منافع عمومی جدی را بر آورده سازد و در نظر

گرفته شود. آزادی بیان و آزادی اطلاع رسانی نمی تواند زندگی شخصی قاضی را تحت تاثیر قرار دهد. قضات، درست همانند هر شخص دیگری، حق زندگی خصوصی از جمله خود مختاری و پیشرفت شخصی را دارند بنابراین بایستی در رسیدگی به پرونده ها، وارد حریم خصوصی قضات نشد به بهانه منافع عمومی و برقراری عدالت، این اصل را زیر پا گذاشت.

تعرض به حریم خصوصی قاضی در زمان تصدی این منصب، منافی شئون شغلی و حیثیت اجتماعی او و سبب وهن دستگاه قضایی است؛ زیرا همان گونه که «رفتار فردی قاضی کل سیستم قضایی را تحت تاثیر قرار می دهد» اهانت به او و رفتار ناشایست با وی نیز نظام قضایی را متأثر می سازد. از این رو در ماده ۴۱ قانون آمده است که هر گونه احضار، جلب و بازداشت قضات و بازرسی محل سکونت، محل کار و اماکنی که در تصرف آنان می باشد، ممنوع است. به طور کلی دادرسی و دادگاه انتظامی قضات بر انجام وظایف خود باید حریم خصوصی قاضی را رعایت کنند. بند ۲ ماده ۱۱ قانون مذکور که وظایف و اختیارات دادرسی را برمی شمرد، متضمن این حکم است که نظارت بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنان و تحقیق در اعمال و رفتار منافی با حیثیت و شأن قاضی باید با رعایت حریم خصوصی قضات باشد.

آزادی بیان و آزادی اطلاع رسانی نمی توانند بر زندگی خصوصی قضات همپوشانی داشته باشند. قضات به معنای چهره های عمومی قرار می گیرند و موضوعات مربوط به عدالت مورد توجه عمومی قرار می گیرد، نبایستی به بهانه منافع عمومی و یا بررسی در مورد تخلف ارتكابی در زندگی خصوصی قضات مداخله کرد حال سوال

های انتظامی را نمی دهند که این محل تامل و با اصول قانون اساسی انطباقی ندارد.

دادن مهلت کافی برای دفاع

این حق بیان می دارد که باید به متهم یا وکیل مدافع او این امکان را داد تا بتوانند به اسناد و مدارک و ادله و اسناد هر چه برای تدارک دفاع مناسب نیاز است دسترسی داشته باشند این حق را می توان یکی از جنبه های مهم و اساسی اصل تساوی سلاح ها دانست ، البته زمان کافی و لازم به ماهیت هر رسیدگی و اوضاع و احوال آن پرونده و مصالح و مقتضیات اجتماعی نیز بستگی دارد (۱۸). در قانون نظارت بر رفتار قضات و در ذیل ماده ی ۲۴ ، مقنن مهلت یک ماهه ای را به قاضی تحت تعقیب جهت دفاع از خود در مقابل اتهامات انتسابی قرار داده است که مهلت معقول و مناسبی به نظر می رسد . در واقع آیین دادرسی با رعایت برخی تصمیمات می تواند ابزاری موثر در جهت حمایت قضایی از حقوق و آزادی های افراد به شمار آید. تعمیم اصول دادرسی منصفانه از جمله دادن مهلت کافی برای دفاع در هیات های انتظامی پزشکی و دادرسی های اداری مبتنی بر این اندیشه است که قلمرو کیفری علاوه بر دادرسی کیفری شامل دادرسی های داری نیز می شود.

حق تجدید نظر خواهی

باز نگری در تصمیم یک دادگاه توسط یک مرجع قضایی بالاتر به این منظور اندیشیده شده است . بر این اساس ، در یک رسیدگی و دادرسی قضایی ، یک دادرسی کیفری ، هر کس محکوم شود حق خواهد داشت که محکومیت و مجازاتش در دادگاهی بالاتر ، مطابق قانون ، بازنگری شود .

در قوانین و مقررات مربوط به رسیدگی به تخلفات قضات این حق به طور نسبی رعایت شده است در قانون نظارت بر رفتار قضایی و بر اساس ماده ی ۳۶ آرا ، دادگاه عالی مبنی محکومیت قاضی به مجازات تا درجه ی ۵ ، قطعی می باشد و در سایر موارد توسط محکوم علیه و در مورد آراء براءت توسط دادستان ، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدید نظر می باشد . در ماده ی ۳۷ قانون نیز مقنن اشعار داشته است که محکوم علیه می تواند نسبت به تمام احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته به مجازات درجه ی ۵ به بالا ، صادره از دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدید نظر ، در صورت وجود یکی از موجبات اعان دادرسی ، درخواست اعاده دادرسی نماید . و پذیرش حق تجدید نظر خواهی در جهت جلوگیری از اشتباهات احتمالی می باشد و گامی است در جهت احقاق حق و استقرار عدالت و تضمین وجود یک دادرسی عادلانه ، در مقررات انتظامی قضات مقنن این حق را به صورت نسبی برای محکوم علیه هم پذیرفته است و آن را محدود به احکام و آرای کرده است که شامل محکومیت قضات به مجازات درجه ها و بالاتر می باشد . هر چند مجازات های مربوط به بند ۵ ماده ی ۱۳ قانون نظارت بر رفتار قضایی از نظر اداری سنگین به نظر نمی رسد. ولی سبک بودن این مجازات ها از نظر اداری دلیل بر این نمی شود که حق تجدید نظر خواهی محکوم علیه را در نظر نگیریم . نکته ی دیگر این که طبق ماده ی ۴۸ قانون تجدید نظر خواهی می باشد درحالی که آرای این دادگاه بر طبق ماده ی ۵ قانون رسیدگی

به صلاحیت قضات قطعی و غیر قابل تجدید نظر خواهی بوده است که با توجه اینکه مرجع آرای سنگین و مهمی را می تواند صادر کند پیشرفتی قابل ملاحظه و مهم در تحولات قانونی می باشد .

در خصوص هیات های انتظامی پزشکی، قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی و آیین نامه انتظامی در چند اصل قابلیت پژوهش و فرجام خواهی را بعنوان یکی از اصول دادرسی منصفانه در محاکم اداری مدنظر قرار داده است. ماده ۶۵ در مقام احصاء آرای هیات های تجدیدنظر مقرر می دارد «آرای قابل تجدید نظر هیات های بدوی انتظامی عبارتند از الف) احکام براءت ب)قرارهای منع یا موقوفی تعقیب». دادگاه تجدید نظر دادگستری هر استان مرجع عالی و فرجامی از آرای قطعی هیات های انتظامی پزشکی بوده که بصورت شکلی رسیدگی می نماید. بنابراین اصل قابل تجدیدنظر و پژوهش از آرای هیات های انتظامی پزشکی در قانون سازمان نظام پزشکی و آیین نامه انتظامی به خوبی پیش بینی گردیده است.

رعایت اصول دادرسی عادلانه

دادرسی عادلانه آرمانی است همه دادخواهان خواستار آن هستند. زمینه ساز این آرمان، وجود محیط مساعد و امکانات مناسبی است که حداقل در موارد ذیل باید فراهم شود:

هر چند مقررات و اسناد بین المللی حقوق بشر به صراحت حق برخورداری از دادرسی عادلانه را پیش بینی نموده اند لکن در نظام حقوقی ایران ، قانونگذار این حق را به طور صریح پیش بینی نکرده است. به بیانی عبارت «دادرسی عادلانه» تاکنون در هیچ یک از قوانین و مقررات مزبور ایران به کار گرفته نشده است با این وجود ، عدم تصریح به عبارت «دادرسی عادلانه» در قوانین ایران به این معنا نیست که نظام حقوقی ایران به اصل دادرسی عادلانه توجه نداشته است. «در قانون اساسی ، خط مشی یک دادرسی مبتنی بر عدالت و انصاف ترسیم گردیده» و بسیاری از تضمینات دادرسی عادلانه ، هم در قانون اساسی و هم در قوانین عادی، پیش بینی گردیده است. عادلانه بودن فرآیند دادرسی ، مستلزم رعایت تضمیناتی می باشد که در اسناد بین المللی حقوق بشر مورد شناسایی قرار گرفته است. و هر مرجعی که دارای کارکرد و نقش قضایی باشد ، مکلف است در رسیدگی های خود، تضمینات دادرسی عادلانه را رعایت نماید (۱۹). تضمینات عمومی و خاص دادرسی عادلانه شامل: علنی بودن دادرسی، محاکمه در مدت معقول، مستند و مستدل بودن .

در مورد مستند و مستدل بودن آرای هیات های انتظامی بایستی گفت که در ماده ۶۲ قانون سازمان نظام پزشکی به صورتی بسیار واضح اصل مذکور را پذیرفته و برای تأکید بر رعایت اصل مذکور در دادرسی های انتظامی مقرر می دارد « آرای هیات های بدوی باید مستدل و موجه بوده و مستند به قانون یا مقررات مربوط باشد.

نتیجه گیری

هر تخلف انگاری مداخله و ایجاد محدودیت فراروی حقوق و آزادی های افراد است. لذا در حقوق کیفری کرامت مدار پاسداری از حرمت و کرامت افراد، دل مشغولی سیاستگذاران کیفری است، در هر مورد از جرم انگاری و تخلف انگاری باید چنان مصلحتی در حمایت از حقوق و آزادیهای افراد وجود داشته باشد که بر مفسده ناشی از محدود کردن این حقوق و آزادی آزادی ها

خنده ای وارد نگردد. و هم چنین به لحاظ اینکه یک طرف دعوی قضات هستند شائبه جانبداری ایجاد نشود و اصل بی طرفی رعایت گردد. ولی مهم ترین نکته در رسیدگی به تخلفات پزشکان و قضات لزوم توجه به اصل شفافیت است چه در مرحله تخلف انگاری و چه در مرحله محاکمه، تا باعث سردرگمی و اجحاف در حق متهمین نشود.

رعایت اصول دادرسی منصفانه از جمله حق داشتن وکیل، مهلت متناسب برای دفاع و لزوم مستدل بودن و... در اسناد بالا دستی مورد توجه قرار گرفته است و در رسیدگی های هر دو نهاد رسیدگی کننده بایستی رعایت گردد.

هر چند در دورانهای مختلف با توجه به نیاز مردم، شغل پزشکی دارای اهمیت بوده ولی این سبب نمی شود که پزشکان مصون از مسوولیت انتظامی باشند، لذا نسبت به تخلفات خاص آنان، مسوولیت های متناسبی در نظر گرفته شده است. در این راستا در رسیدگی های انتظامی چارچوب و اصول رسیدگی های کیفری نیز رعایت می گردد. در رابطه با تخلفات انضباطی پزشکان، رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرف پزشکی به هیات های ذیربط سازمانواگذار شده است و این هیات ها در رسیدگی هایشان بایستی بی طرف بوده و آرای صادره مستند و مستدل بوده. و اصول دادرسی بی طرفانه را رعایت کرده و با توجه به رویه قضایی و مطالعه قوانین مربوط مشاهده می گردد که این اصول رعایت گردیده است، اما ذکر این نکته ضروری است که از انتقادات وارده به هیات های رسیدگی به تخلفات نظام پزشکی این مورد می باشد که رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی و محاکمه بصورت غیر علنی می باشد البته این انتقاد در رسیدگی های دادرسی و دادگاه عالی انتظامی قضات نیز وارد است و اصل بر محرمانگی و عدم افشای اطلاعات مربوط به روند رسیدگی است.

References

1. Tahmasabi, Javad, (1390) "The Process of Disciplinary Supervision of Judges' Behavior", Legal Journal of Justice (Scientific and Research), Year 75/ Issue No. 76.
2. Sadegh Menesh, Jafar, (2012) "Basics of Criminalization in the Professional Behavior of Judges", Jafar Sadegh Menesh, Judicial Monthly, No. 96, Year 16.
3. Masah Tafti, Mohammad Ali, (2016) the authority of specialized authorities to deal with medical crimes and violations, master's thesis, Islamic Azad University, Taft branch.
4. Babaei, Hossein, (1384), Jurisprudence and criminalization in the field of crimes against national security and

چیرگی داشته باشد. به عبارت دیگر، جرم انگاری و تخلف نگاری در مجموع، باید مایه افزایش اعتماد، حرمت و حیثیت شهروندان گردد.

مبانی که ناظر بر تخلف انگاری رفتارهای قضایی و شاغلان نظام سلامت کشور (حرفه های پزشکی) تا حدودی به هم مرتبط بوده و بر اساس انگاره های ایدئولوژیک وانگاره های اجتماعی بوده از جمله توجه به ارزش های اجتماعی، رعایت مصلحت عمومی. هم چنین اخلاق حرفه ای ایجاب می نماید که شئونات مرتبط با شغل قضاوت و پزشکی رعایت گردد تا از اعتماد و احترام این دو نهاد مهم کاسته نشود با توجه به تحولات اجتماعی که در حال وقوع است از جمله افزایش حقوق و آزادی های فردی تخلف انگاری رفتارهای ناقض این مشاغل مهم می نماید. از جمله مهم ترین و اصلی ترین ملاک های تخلف نگاری رفتارهای ناقض قانون قضات و پزشکان که میتوان اشاره نمود اصل ضرر و رعایت مصلحت عموم و جلب اعتماد مردم به نظام قضایی و سیستم نظام پزشکی کشور می باشد.

با تصمیم قاضی امکان بر باد رفتن حیثیت، جان، آزادی و مال اشخاص وجود دارد و در نتیجه، مقررات، معمولاً به نحوی تنظیم می گردد که محدوده اختیارات قاضی و شرایط اعمال آن، هر چه دقیق تر مشخص شود و قاضی به حاکمی مطلق العنان تبدیل نگردد. قضاوت شونده باید حق داشته باشد در مواردی که معتقد است قاضی از حدود اختیارات قانونی خود تجاوز نموده و یا شرایط آن را رعایت ننموده است، علیه قاضی اقدام (شکایت انتظامی) نماید، در تدوین مقررات مربوط به شرایط مسوولیت و تعقیب قضات باید کوشش کرد که از یک طرف ضرورت حفظ استقلال قاضی و حیثیت منصب قضا و از طرف دیگر ضرورت حفظ حقوق شاکی نیز رعایت گردیده و هیچ یک در پیشگاه دیگری قربانی نشود قضات نیز مانند هر شخص دیگری حق زندگی خصوصی و پیشرفت شخصی دارند. آنها می توانند آزادانه از زندگی خانوادگی لذت ببرند و نقض اصول اخلاقی دلیل اصلی نیست که منجر به رویه های انضباطی می شود بلکه نقض مقررات قانونی مربوط است که برای محافظت از عملکرد قضایی ضروری است و موجب مجازات قضات می گردد. اخلاق در واقع با هدف جلوگیری از سوء رفتار عمل می کند. انگیزه برای پوشاندن سوء رفتار قاضی در اصل ناشی از درستی با متهم نیست، بلکه یک تصور کلی است که افشای آن منجر به بی احترامی عمومی به حرفه قضاوت به عنوان یک کل خواهد شد مسئله این نیست که قضات از صداقت برخوردار نیستند بلکه این است که خود فرهنگ قضایی ظاهراً فضای کمی برای افشای رفتارهای نادرست دارد که می تواند اعتماد عمومی به دستگاه قضایی را تضعیف نماید.

جنبه های اخلاقی رفتار قضات باید به دلایل مختلف مورد بحث قرار گیرد، روش هایی که در حل و فصل اختلافات مورد استفاده قرار می گیرد باید الزام آور باشد. قدرت هایی که به قضات سپرده شده اند به شدت و ارزش های عدالت، حقیقت و آزادی ارتباط دارند، استانداردهای رفتاری که به قضات اعمال می شود نتیجه این ارزش ها و پیش شرط اعتماد به ادعای عدالت است. در رسیدگی به تخلفات قضات بایستی به استقلال قاضی و در وهله اول استقلال قوه قضاییه

Be Mis-Regulation," Michigan Law Review, Vol 89, Issue 3.

15. Sharman, Jeffrey M. (1996). "Judicial Ethics: Independence, Impartiality, and Integrity," Inter-American Development Bank Washington, D.C. Sustainable Development Department State, Governance and Civil Society Division Judicial Reform Roundtable II May.

16. Bari, Mojtabi (2014) Monitoring the behavior of judges, Mizan publication.

17. Greece, Team (2017). "Judicial Ethics: Reflecting On Their Influence On Judges, Private Life," Budapest.

18. Rostami, Wali Allah; Fair proceedings in the proceedings of the Court of Administrative Justice, a collection of articles on the occasion of Islamic Human Rights Day, Tehran University Press, first edition.

19. Mohammadi, Kong Sefali; (2017) Fair proceedings in the criminal domain of Iran; Majd Publications, Tehran.

the government, Jurisprudence and Law Journal, No. 5.

5. Salehi, Faizullah (2016), a comparative study of the independence of judges and fair proceedings in Iranian law and international documents; First edition, Tehran, Majd Publications.

6. Rashund Bokani, Mehdi, (2008) Independence of Judges and Judiciary in Iranian, American and French Laws, Islamic Revolution Documentation Center, Tehran.

7. Wilson, Aurora J. (2012) "Let Be Cautions Friends: The Ethical Implications Of Social Networking For Members Of The Judiciary". Washington Journal Of Law. Technology & Arts Volume 7. ISSUE 3.

8. Mozafari, Maysham; (2012) Investigating disciplinary violations and crimes related to the job and duty of Qadab officials in Iranian law, Gilan University, senior expert.

9. Bostani, Mehrzad, (2018), description and criticism of the law on monitoring the behavior of approved judges, first edition, Jangal Publications, Tehran.

10. Clarkson, CMV; (1374) Analysis of the basics of criminal law; Translated by Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, University Jihad Antarat Center, Shahid Beheshti University.

11. Ghasemi, Mohsen, (1380), the science of legislation in the shadow of the constitution; Fundamental Rights Journal, second year, third issue,

12. Naji Zawareh, Morteza, (2008), Impartial proceedings in criminal matters, Shahr Danesh Institute of Legal Studies and Research Publications, first edition, Tehran.

13. Sabzi, Roya, (2016), the principle of transparency in Iran's administrative justice system with an emphasis on the judicial procedure of the Administrative Court of Justice, a thesis to receive a master's degree.

14. Amato, Anthony D. (1990). "Self Regulation Of Judicial Misconduct Could